

# این شغل ظاهر ساده

شده است، به مدرسه می آیند. چهار ماه از سال تحصیلی گذشته است، هنوز دارم می کوشم به آن‌ها بفهمانم که مطلب را یک بار می گویم و دیگر تکرار نمی کنم. مثلاً یک بار می گویم صفحه ۵۳ کتاب را باز کنید، اگر نشنیدند انتظار دارم به جای زل زدن به من و تقاضای تکرار از من، به بغل دستی شان نگاه کنند. باورتان نمی شود هنوز موفق نشده ام، البته تسلیم نمی شوم.»

وقتی روز درسی تمام می شود، آمیخته ای از احساسات وجود معلم را در بر می گیرد. بستگی به روزی که پشت سر نهاده، احساس رضایت و کفایت از آن چه انجام داده یا خستگی و ناکامی از آن چه نتوانسته است، می تواند او را به عرش یا به فرش ببرد.

## کلید معلمی

به دست آوردن اعتماد به نفس و تقویت مهارت های تدریس، برای معلمان موضوعی همگانی است که نه تنها دغدغه معلمان تازه کار است، بلکه معلمان مجرب هم با آن درگیرند. موضوع های جدید می تواند صلاحیت، کفایت و توانایی یک کهنه کار را نیز به چالش بکشد؛ مخصوصاً اگر نیازمند تغییر در روال تدریس باشد. به یاد بیاورید وقتی به عنوان معلم با کار و موضوع جدیدی روبه رو شده اید، چند بار از خودتان پرسیده اید: «از عهده اش برمی آیم؟»، «آیا می توانم خوب انجامش دهم؟» و بعد از کمی تجربه ممکن است فکر کرده باشید «چه طور می توانم بهترش کنم؟»

می کند، این است که بچه های آشنا را از هم جدا بنشانم و مقداری چشم غره بروم و غرو لند کنم تا شاید بالاخره با تهدید به ظاهر آرام شوند، اما چه یاد می گیرند، این را باید از ورقه های امتحان هایشان خواند...»

معلم علوم می گفت: «امسال شانزدهمین سال تدریس من در دوره راهنمایی است. چیزی که من را از پا می اندازد، حجم زیاد ورقه های امتحانی است که انگار هیچ وقت تمامی ندارند. سؤال های تستی یا پاسخ های کوتاه کاری ندارد، اما پاسخ های تشریحی و گاهی پروژه هایی که به بچه ها می دهم، واقعاً باری سنگین است. هر صبح جمعه سه تا چهار ساعت وقتم را می گیرند. دلم خوش است یک روز بدون زنگ مدرسه دارم. می توانید حدس بزنید خانه و بچه و انتظارهای اطرافیان و کارهای عقب افتاده، با حجم زیادی از ورقه های تصحیح نشده یعنی چه! از راه هایی مثل تصحیح توسط خود بچه ها یا همدیگر هم استفاده می کنم، ولی همیشه ورقه هایی مفصل با خط های گوناگون دارم...»

معلم دیگری می گفت: «بزرگ ترین اضطراب شغلی برای من ایجاد انگیزه برای یادگیری در دانش آموزانی است که انگیزه ندارند یا به هر علتی آن را از دست داده اند. خیلی از بچه ها هنوز درباره اهمیت درس خواندن به باور عمیقی نرسیده اند و فقط چون از آن‌ها خواسته



معلمی، رویای شغلی اکثر کودکان، بازی رایج دبستانی ها و آرزوی تعدادی از فارغ التحصیلان، از مشاغل شریف، محترم و دوست داشتنی است که حتی آن را شغل انبیا خوانده اند. اما چه کسی گفته است این شغل دل نشین، شغلی آسان است؟

## دغدغه های معلمان

یک معلم ریاضی می گفت: «در حال حاضر بزرگ ترین مسئله من این است که چگونه شاگردانم را آرام کنم. آشفتگی رفتاری، بی توجهی و کم دقتی در یادگیری را چه کنم؟ وقتی کلاسی به تعداد ۳۵ نفر داری، ایجاد تمرکز و توجه به درس در دانش آموزان کار سختی می شود. وقتی گوش نمی دهند و بی نظمی می کنند، اولین فکری که به ذهنم می رسد، این است که چرا درس برایشان به اندازه کافی جالب نیست. دومین موضوعی که مشغولم

به نظر می‌رسد بین اعتمادبه‌نفس و مهارت‌های آموزشی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. کار کردن روی هر جنبه، باعث تقویت جنبه‌ی دیگر می‌شود. هر چه مهارت آموزشی بیشتر، اعتمادبه‌نفس بیشتر می‌شود و برعکس. **آندر هیل**<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) پیشرفت معلمی را پروسه‌ای می‌داند که در آن، فرد به بهترین معلمی که می‌تواند، تبدیل می‌شود. **راسنر**<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) می‌گوید، معلمی فقط تدریس نیست، بلکه تقویت زبان، کشف مهارت‌های مشاوره، داشتن رفتار جرئت‌مندانه و قاطعانه، اعتمادبه‌نفس زیاد، محاسبه، مراقبه، تحمل و مسئولیت‌پذیری زیاد و تقریباً همه چیز است!

اعتمادبه‌نفس برای معلمان در چهار مؤلفه «علم و دانش، مهارت‌های آموزشی، خودآگاهی و نگرش» باز تعریف می‌شود.

**علم و دانش:** معلم همواره نیازمند تقویت بنیه علمی خود است. از هر فرصتی باید برای یافتن نکته‌های تازه استفاده کند و فراتر و جلوتر از کتاب‌های درسی، مطلب‌ها را جست‌وجو کند. به‌روز کردن اطلاعات با منابع‌های غیردرسی، مباحثه با هم‌رشته‌ها و استفاده از تجربه‌ی دیگران، از وظایف اولیه هر معلمی است. در کنار مباحث علمی انتظار می‌رود معلم بیش از پیش با تئوری‌های آموزش و یادگیری آشنا شود. با چنین زمینه‌ای، به راه‌حل‌ها و روش‌های تدریس پویاتری دست می‌یابد.

از دیگر نکته‌های مهم، شناخت دانش‌آموزان است که در زیر مجموعه علم است. باید تا می‌تواند شاگردان را بشناسد. هنر فرصت دادن به دانش‌آموز برای ابراز وجود و صحبت کردن، هنری گران‌بها برای معلم است تا دریابد با چه مواردی روبه‌روست. فراموش نشود که هر دانش‌آموز دنیایی از مشکلات فردی و خانوادگی را با خود می‌آورد. مشکل‌هایی که ربطی به محیط آموزشی ندارند، اما می‌توانند آن را به شدت متأثر سازند. معلم خوب، با شناخت مشکلات فردی شاگردانش، حداقل می‌تواند از سرایت پاره‌ای از آن‌ها به دیگران جلوگیری کند. خلاصه در یک کلام، هر قدر معلم

شاگردانش را بیشتر بشناسد، موفق‌تر است.

**مهارت‌های آموزشی:** از دیگر امور جاری زندگی معلمی، تقویت توانایی ارائه دانش و علم در قالب‌های آموزشی و تدریس است. این مهم به دست نمی‌آید، مگر با نگرشی اکتشافی و متهورانه به تدریس که روش‌ها و فعالیت‌های گوناگون آموزشی را بارها تمرین کند تا از اثربخشی و جذابیت آن‌ها در میان دانش‌آموزان مطمئن شود و نهایتاً به کار برد. استفاده از روش‌های ابتکاری و خلاق می‌تواند فضای کلاس را شیرین و دل‌چسب کند و انگیزه‌های تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش دهد.

مهارت یافتن در روش‌های تدریس، به آگاهی فرد نسبت به نقطه‌های قوت و ضعف خود بسیار وابسته است. در واقع همان خودآگاهی است که مؤلفه بعدی است.

**خودآگاهی:** معلمان با افزایش خودآگاهی، به سطح بالاتری از رشد می‌رسند. خودآگاهی یعنی این که دریابند چگونه معلمی هستند؟ تصویرشان نزد دانش‌آموزانشان چگونه است؟ بیشتر به چه صفاتی شناخته شده‌اند؟ در نقش معلمی، کدام جنبه از تجربه‌ها و کاراکترها بروز پیدا می‌کنند؟ چه نقطه‌های قوتی دارند که باید بیشتر بر آن‌ها تکیه کنند؟ چه نقطه‌های ضعفی دارند که باید در رفع آن‌ها بکوشند؟ خودآگاهی از راه‌های گوناگونی قابل افزایش است:

● معلمان می‌توانند آموزش خود را به طور صوتی یا تصویری ضبط کنند. سپس آن را دوباره مشاهده کنند و با تحلیل آن به نقطه‌های ضعف و قوت خود بیشتر پی‌ببرند.

● آن‌ها می‌توانند با دعوت از یک همکار، از او درخواست کنند کلاسشان را ارزیابی کند و بازخورد دهد.

● مشاهده آموزش دیگر معلمان بسیار آموزنده است. این روش کمک می‌کند تا روش‌های گوناگون تدریس را با هم مقایسه کنند یا با الهامی که از دیگران می‌گیرند، بعضی از روش‌های آن‌ها را تمرین و اجرا کنند. مهم‌تر از همه، آن‌ها را آگاه می‌سازد که چگونه معلمی هستند یا نیستند.

● خود دانش‌آموزان بهترین منبع برای ارزیابی کار و شناخت معلم هستند. جمع‌آوری منظم نظرهای دانش‌آموزان، به معلم فرصت بزرگی می‌دهد تا خود را در آینه شاگردانش بشناسد.

● نباید از یادداشت‌کردن غافل شد. تجربه‌ها، برداشت‌ها و احساس‌های خود را در دفترچه‌ای بنویسید. مرور آن‌ها کمک می‌کند از خود به عنوان معلم شناخت بهتری پیدا کنید و چه‌بسا نکته‌های ارزنده‌ای ثبت کنید که فرد را در تدریس و اداره کلاس یاری دهد.

**نگرش:** در نهایت، رشد معلم به رشد و نگاه داشتن نگرشی مثبت نسبت به فعالیت‌های آموزشی و خود به عنوان معلم بسیار وابسته است. معلم باید برنامه درسی خود را منظم کند، به دنبال تقویت بیشتر مبانی علمی خود باشد، هر روز بر مهارت‌های خود بیفزاید و به خود و همکاران و شاگردانش احترام بگذارد. از ناکامی‌ها و عدم موفقیت‌ها تجربه به دست آورد و از آن‌ها نترسد.

هم‌چنین، نباید اجازه دهد مشکلات شخصی‌اش روی کارش تأثیر بگذارد یا هنگامی که با چالش جدیدی روبه‌رو می‌شود، ناامید شود؛ حتی اگر در ابتدا قابل حل به نظر نرسد. باید از تدریس خود لذت ببرد و وقتی به هدف آموزشی خود دست یافت، خود را تشویق کند و به خود استراحتی در خور و شایسته هدیه دهد.

این نکته‌ها گفته شد و صدها نکته که معلمان می‌دانند و این‌جا گفته نشد! همه این روش‌ها ابزارهایی مطمئن است در دست معلم، برای فائق آمدن او بر آموزش و تعلیم، اما آن چه کلاسی را جذاب‌تر و معلمی را محبوب‌تر می‌سازد، فقط این‌ها نیست، بلکه «درون‌مایه خود معلم» است؛ خصوصیتی که کاملاً شخصی است و عملکرد او را منحصر به فرد می‌کند. اشتیاق و محبت و انرژی درونی که به او قوت ادامه و استقامت می‌دهد، راه‌حل‌های متفاوت جلوی رویش باز می‌کند و فضایی در کلاس می‌سازد که گاه می‌تواند زندگی و آینده دانش‌آموزانش را دگرگون کند. این‌جاست که معلمی نه دیگر فن که هنر است.

آغاز سالی دیگر و به دست آوردن تجربه بیشتر، بر شما مبارک باد.

هنر فرصت دادن به دانش‌آموز برای ابراز وجود و صحبت کردن، هنری گران‌بها برای معلم است تا دریابد با چه مواردی روبه‌روست

پی‌نوشت

- 1.Underhill
- 2.Rossner

منابع

- 1.Underhill, A (1986): Editorial in Teacher Development Newsletter 9: 4
- 2.Rossner, R (1992): "Where there's a will - facilitating teacher development" in Teacher Development Newsletter 18: 4 - 5

